

# پایان معجزه مرد حنجره طلایی

## چنگیز جلیوند درگذشت



یک پیشکسوت می گوید پنجمین قهرمانی متوالی سرخ‌ها به خطر افتاده است

## چرا پرسپولیس صلابت ۴ سال گذشته را ندارد؟

پرسپولیس مدافع عنوان قهرمانی لیگ برتر که چهار دوره متوالی جام را به آغوش کشیده، در شرایطی لیگ برتر بیستم را شروع کرده که هوادارانش انتظار دارند پنجمین قهرمانی متوالی را نیز کسب کند. این تیم اما حالا با گذشت دو هفته از رقابت‌ها نشان داده با سال‌های گذشته تفاوت‌هایی دارد که ممکن است در ادامه مسیر برایش مشکل ساز شود.

پرسپولیس در نقل و انتقالات تابستانی چند ستاره تأثیرگذار خود از جمله مهدی ترابی، علی علیپور، علیرضا بیرانوند، شجاع خلیل زاده و... را از دست داد و اگرچه نفرات دیگری را نیز به خدمت گرفت اما هنوز با تیمی که در سال‌های گذشته سراغ داشتیم، فاصله دارد.

سرخپوشان در هفته اول لیگ مقابل سایپای تهران با تساوی متوقف شدند و اگرچه روز گذشته در هفته دوم نفت آبادان را یک بر صفر بردند اما این پیروزی به سختی به دست آمد و حتی در دقیقه شاکردان یحیی گل محمدی شانس هم آوردند که برد را با تساوی یا باخت عوض نکردند.

مسئله اصلی در این خصوص ضعف‌های فنی است که بسیاری از کارشناسان به آن اشاره کرده‌اند. پرسپولیس به واقع مانند گذشته زیبا بازی نمی‌کند و همین مسئله باعث شده تا هواداران نیز از سبک بازی تیم‌شان راضی نباشند. از طرفی نگرانی‌هایی نزد هواداران و پیشکسوتان این تیم به وجود آمده که با ادامه روند کنونی این تیم دیگر نتواند قهرمان شود و جام را به رقیب بدهد.

ادموند بزیک، پیشکسوت ارزنده پرسپولیس درباره شرایط این تیم می‌گوید: «مسئله کادر فنی بیشتر از ما می‌داند که در چه نقاطی ضعف وجود دارد، اما نیاز است که خط تقویت شود. البته حالا که زمان نقل و انتقالات تمام شده است، باید با همین بازیکنان کار را پیش برد و من هم نمی‌گویم این بازیکنان بد هستند و انتقادی به عملکرد آنها ندارم، اتفاقاً معتقدم پرسپولیس مهاجمان خوبی دارد، اما برای تیمی که در سه جبهه می‌جنگد، نیاز است که بازیکنان بهتری هم در ترکیب باشند.»

بزیک درباره انتظارات زیاد از پرسپولیس و اینکه این تیم می‌تواند این توقعات را برآورده کند، خاطرنشان کرد: «این فشار طبیعی است. پرسپولیس همیشه مدعی قهرمانی بوده و انتظارات از این تیم همیشه بالاست. حالا هم که چهار دوره قهرمان لیگ شده، این انتظار بالاتر رفته است، اما باید انتظار به حق باشد. تکرار موفقیت برای تیمی که چهار دوره قهرمان لیگ شده، سخت است، به این دلیل که اکنون همه مقابل پرسپولیس محکم‌تر بازی می‌کنند و مسلماً صنعت نفت همان عملکردی را که برابر سایپا دارد، مقابل پرسپولیس ندارد. انگیزه‌ها مقابل پرسپولیس و تیم‌های دیگر برای همه رقیب متفاوت است و به نظرم برای عبور از این فشار و سد محکم رقیب، بازیکنان پرسپولیس هم باید با انگیزه بیشتری وارد زمین شوند.»

این پیشکسوت صحبت‌هایش را این‌طور به پایان برد: «من فکر می‌کنم پرسپولیس در دو بازی این فصل خود در لیگ، عملکرد قابل قبولی داشته است. میانگین موقعیت گل‌های ایجاد شده در دو بازی ابتدایی خوب بوده است و پرسپولیس خوب می‌تواند خلق موقعیت کند.»



لنکستر در فیلم‌های «هفت روز در ماه مه»، «خوی حیوانی»، «یوزپلنگ»، «وراکروز»، «المرگتتری»، «بندباز»، «جدال در اوکی کورال»، «پرنده‌باز آلتاترا»، «ده مرد رشید»، «دره انتقام»، «از اینجا تا ابدیت»، «مرید شیطان»، «وحشی‌های جوان»، «نابخشوده»، «دادگاه نورنبرگ»، «جاده‌های لویا»، «حرف‌های ما»، «شکارچیان پوست سر»، «مرد نیمه‌شب»، «موسی»، «گذرگاه کاساندر»، «آخرین تالو شفق»، «جزیره دکتر مور» و «برو به اسپارتنی‌ها بگو» شنیده‌ایم.

در فیلم‌های سینمایی ایرانی نیز صدای چنگیز جلیوند را به جای «محمدعلی فردین» (کنج قارون، چرخ فلک، باباشمل، جوانمرد، کوچه‌مردها، سلطان قلب‌ها، آقای قرن بیستم، قصر زرین، حاتم طائی، خوشگل خوشگلا، سکه شانس)، «بهروز وثوقی» (کنندو، ممل آمریکایی، ماه عسل، دشنه، ذبیح، بت، طوقی، نفس بریده، همسفر)، «ناصر ملک مطیعی» (غلام زاندارم، مرد، ناخدا، باباشمل، طوقی، چلچراغ، بت، بابا گلی به جمالت، صلات ظهر، سه قاپ، پاشنه طلا، نقره داغ)، «ایرج قادری» (برادرکشی، حکم تیر، پلنگ در شب، پشت و خنجر، شاهرگ، قفس، طغیانگر، عمو فوتبالی، کوسه جنوب، ترکمن، هدف، ناخدا باخدا، دو کله‌شوق)، «جمشید سعید راد» (سفر سنگ)، «محمدرضا مشایخی» (سوته دلان)، «محمدرضا گلزار» (سلام بمبئی) و «حامد بهداد» (جرم) شنیده‌ایم.

جلیوند درباره دوبله فیلم‌های فارسی و فیلم‌های خارجی گفته: «از هر دو گویندگی، هم به جای هنرپیشه‌های ایرانی و هم خارجی، فرق نمی‌کرد. چون کارم را دوست داشتم و به کارم مومن بودم به جای هرکسی که صحبت می‌کردم، سعی می‌کردم که به بهترین نحو انجام دهم و به همین دلیل صدایم روی آن هنرپیشه ماندگار می‌شد و هیچ‌کس این صدا را عوض نمی‌کرد یعنی قابل تغییر نبود.»

**جلیوند بازیگر**  
جلیوند در چند مجموعه تلویزیونی و فیلم سینمایی به عنوان بازیگر نیز حضور داشته است. او را به عنوان بازیگر در فیلم‌های سینمایی «قلاده‌های طلا»، «این سبب هم برای تو»، «قصه عشق پدرم»، «فیتله و ماه پیشونی»، «بندرگاه عشق»، «دختر همسایه»، «آرشین مالالان» و «آقای شانس» و سریال‌های تلویزیونی «عبور از پاییز»، «یلدا»، «نوشدارو» و «معمای شاه» دیده‌ایم.

**مارلون براندوی وطنی**  
چنگیز جلیوند به جای بازیگران مشهور بسیاری گویندگی کرده است. در این میان معروف‌ترین حضورش به جای «مارلون براندو» بوده که در فیلم‌های «وحشی»، «زنده باد زاپاتا»، «اتوبوسی به نام هوس»، «در بارانداز»، «شیرهای جوان»، «سایونارا»، «شب‌روها»، «کنتسی از هنگ‌کنگ»، «سربازهای یک چشم»، «تعقیب» و «شعله‌های آتش» به جای او حرف زده است.

البته جلیوند با اینکه بیشتر به عنوان گوینده اصلی مارلون براندو شناخته می‌شود، اما به جز او به جای «پل نیومن»، «برت لنکستر»، «ماکسیمیلیان شل»، «ریچارد برتون»، «پیتر اوتول»، «یول برابنر»، «کلینت ایستوود»، «کرک داگلاس»، «دین مارتین»، «گرگوری پک»، «شان کانری»، «رابرت دنیرو» و بسیار بازیگر درجه یک دیگر نیز صحبت کرده است.

او به جای پل نیومن در فیلم‌های «کسی آن بالا مرا دوست دارد»، «گره‌های روی شیروانی داغ»، «برنده»، «تابستان گرم و طولانی»، «لوک خوش‌دست»، «زندگی و دوران قاضی روی بین»، «جنگ سری هری فریگ»، «تبان»، «پرنده شیرین جوانی»، «مأمور مکتیناش»، «وکیل هادساکر»، «بیلیاردباز»، «تیرانداز چپ‌دست»، «آسمان‌خراش جهنمی»، «پرده پاره» و «بوچ کسیدی و ساندنس کید» حرف زده و صدایش را به جای برت

به آمریکا مهاجرت کرد. اما بعد از بیست سال به ایران بازگشت و کار دوبله را از سال ۱۳۷۷ سرگرفت.

از او در مقاله‌ای معتبر در سال ۱۳۵۷ به عنوان یک دوبلور نمونه جهانی نام برده شده است. جلیوند در گویندگی قابلیت تیپ‌سازی داشت و می‌توانست صداهای مختلفی را به وجود آورد و برای همین هم در میان دوبلورها به مرد حنجره طلایی معروف بود. با این حال، به رغم وسعت و فراخی توانایی‌های صدایی، بیشتر با صحبت به جای شخصیت‌های نقش اول باصلابت و تأثیرگذار سینمایی به یاد مانده است.

چنگیز جلیوند در سال‌های اولی که به ایران بازگشته بود، در مورد این تصمیم گفته بود: «من فکر می‌کنم این بیست‌سالگی که این‌جا نبودم، بیست سال خواب بودم و بعد از بیست سال دوباره بیدار شدم و چشمم را باز کردم، دیدم ای وای! من جایی نبودم، اینها که بوده همه‌اش تو خواب بوده. من الان توی وطن خودم هستم و دارم لذت می‌برم. از رانندگی‌اش لذت می‌برم، از کارش لذت می‌برم، از آدم‌هاش، از خیابان‌هاش از خاکش از دودش لذت می‌برم. به هر حال چون وطنم است، دوست دارم. معترض هم نیستم می‌گویم هم اینی که هست، اگر ایران را دوست داری ایران، این است، دوست نداری؟ خوش آمدی! بعضی‌ها می‌گویند چرا برگشتی؟ خب نمی‌دانند، احساس من را که حس نمی‌کنند، شاید عقیده آنها، این باشد ولی اگر تجربه‌ای داشته باشند شاید این سوال را نکنند. من از موقعی که آمدم اینجا احساس می‌کنم جوان‌تر شدم، احساس می‌کنم انرژی بیشتری گرفتم، احساس می‌کنم می‌توانم صحبت کنم. من فقط در شش سال اول بازگشتم در حدود چهارصد، پانصد فیلم حرف زده‌ام، دوباره تمام ژانرهای اول، یعنی با آن حال و هوایی که قبلاً داشتم و ناخودآگاه از خودم دورش کرده بودم، حالا دوباره به دستش آوردم و این‌را ول‌کن نیستم.»

**[پولاد امین، شهروند] نه، معجزه نشد و اصلاً قرار هم نیست همیشه پایان داستان‌های غمناک با معجزه تغییر کند. پس «ناصر ممدوح» که همین دو روز پیش گفته بود «ریه چنگیز جلیوند» به خاطر کرونا صدمه دیده، اما منتظر معجزه الهی هستیم و می‌دانیم حالش خوب می‌شود؛ ناچار شد در پاسخ تماس خبرگزاری‌ها خبر درگذشت چنگیز جلیوند را تأیید کند. این پایان مردی بود که تا همیشه خدا خواهد ماند که تنها صداست که می‌ماند!**

**ستاره حنجره طلایی**  
کرونا ساعاتی پیش چنگیز جلیوند، صدای ماندگار دوبله ایران را نیز از دنیای هنر ایران گرفت. جلیوند که به «مرد حنجره طلایی» معروف بود، در زمان مرگ هشتاد سال داشت. خبر درگذشت این دوبلور با سابقه را ناصر ممدوح - که او نیز از نسل طلایی دوبله ایران بود - تأیید کرد. ممدوح گفت: «متأسفانه خبر درگذشت آقای چنگیز جلیوند صحت دارد. مرگ ایشان برای ما ضایعه بزرگی است.» صحبت‌های ناصر ممدوح همراه با دروغی آشکار بود: «زندگی تا بوده همین بوده؛ ولی این افرادی که از دست می‌دهیم واقعا ستاره‌های دوبله ایران هستند.» چنگیز جلیوند، دوبلور، مدیر دوبلاژ و هنرپیشه‌ای که کارنامه‌اش مملو از آثار درجه یک و ماندگار بود، چند روزی بود که به دلیل ابتلا به بیماری کووید-۱۹ در بیمارستان بستری بود و آخرین خبرها از درگیری ۸۰ درصدی ریه‌اش به ویروس کرونا حکایت داشتند.

**او که بود؟**  
چنگیز جلیوند تازه همین چند روز پیش بود که هشتادساله شده بود. تاریخ تولد او روز ششم آبان سال ۱۳۱۹ اعلام شده است. جلیوند فعالیت هنری‌اش را در سال ۱۳۳۶ همراه با «ابوالحسن تهامی» در تئاتر آغاز کرد. پس از به‌جای گذاشتن یک کارنامه بی‌نظیر، بعد از انقلاب ۱۳۵۷